

نویسنده: نرجس محمدی / شهید مدافع حرم
 «رضابخشی» با نام جهادی فاتح در تاریخ ۱۳۶۵/۷/۱۹ در شهر مقدس مشهد در خانواده‌ای متدین و مذهبی به دنیا آمد. وی از همان کودکی شیفته کلاس‌های فرهنگی مسجد محل زندگی خویش شد و در این کلاس‌ها، حضوری پررنگ داشت. تاثیر فضای معنوی مسجد در کنار تعهد خانوادگی، شهید را بر آن داشت تا در کنار تحصیلات معمول و کلاسیک خود، به فراگیری دروس حوزوی نیز مشغول شود و نشان سربازی اسلام را بر جان خود حک نماید. از همین رو دروس مقدماتی حوزه را در مدرسه حضرت قائم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) سپری کرد و در حوزه علمیه مشهد، مشغول تحصیلات حوزوی گشت. در دوره دبیرستان به عنوان دانش آموز نمونه شناخته شد و در تمامی مسابقات قرآنی، تفسیر، نهج البلاغه و... در زمره برترین‌ها محسوب می‌شد و مقام‌های متعددی کسب نمود. شهید بزرگوار که تحصیلات حوزوی و دانشگاهی را مکمل هم می‌دانست، در ادامه وارد جامعه المصطفی العالمیه شد و در رشته‌ی علوم قرآن و حدیث و کارشناسی ارشد فقه و معارف اسلامی ادامه تحصیل داد به ورزش فوتبال علاقه شدیدی داشت و شناگر قهاری بود. در مباحث حوزوی با همه مباحثه می‌کرد؛ به قدری که حیرت همگان را بر می‌انگیخت زیرا او از بقیه همکلاسی‌های حوزه‌اش کوچکتر بود. شاید سبب این همه توفیق، اخلاق و رفتار خوش شهید با خانواده و اطرافیانش بود او نسبت به پدر و مادر خود تواضع و خاکساری خاصی داشت و اخلاق و رفتار اسلامی‌اش در میان دوستان و آشنایان زبان‌زد بود.



نگاهی به زندگی شهید رضا بخشی از میلاد تا شهادت

مدافع حرم

◀ بورسیه تحصیل مسکو را بی خیال شد

او در دوران تحصیل خود در جامعه المصطفی العالمیه به عنوان دانشجوی برتر نخبه در زمینه‌های پژوهشی دعوت به همکاری می‌شود. هوش سرشار و استعداد بالای شهید، همراه با توکل و تلاش ویژه‌اش، موجب شد تا بورسیه تحصیلی او برای تحصیل در مسکو قطعی شود اما در همین اثنا بود که خبر تهدید حرم حضرت زینب (سلام الله علیها) را شنید و وظیفه خود را چیز دیگری یافت او که غیرت دینی مثال زدنی داشت، بی درنگ، برای دفاع از حرم اهل بیت (علیه السلام) عازم سوریه شد و با نام جهادی فاتح، فاتح قله‌های روحانی و معنوی شد و جام #شهادت را سرکشید.

◀ روایتی از زبان رضا بخشی

او به خانواده‌اش می‌گوید: که من در میدان نبرد نیستم و به امور دفتری بچه‌ها رسیدگی می‌کنم و به همراه آنها به حرم رفته و برایشان مداحی می‌کنم؛ خاطرتان جمع جای من امن و خوب است. خانواده غافل از اینکه، فرزندشان فرمانده‌ای غیور، توانا، فاتح دلها و خوبی‌ها و سردار آزادسازی ملیحه دلشان آرام می‌گیرد.

◀ خستگی ناپذیر

خیلی از رزمنده‌های ایرانی و عراقی و لبنانی و سوری و دیگر مدافعان حرم او را به نام (فاتح) می‌شناختند و می‌دانستند هر جا که فاتح پا بگذارد عملیات حتماً با پیروزی همراه است. نبردهای رو در رویش با تکفیری‌ها و رشادتها و دلبری‌های شهید همچنان در عتبه، ملیحه و درعا و غوطه شرقی و حلب بر زبان رزمنده‌های مقاومت جاریست. او این اخلاص و پشتکارش را به خوبی نشان داد، چرا که حتی زمانی که در مرخصی بود از هیچ تلاشی برای رفع مشکلات بچه‌های فاطمیون دریغ نمی‌کرد. تمام هم و غمش این بود که مبادا کسی از خانواده شهید یا رزمنده مشکل یا ناراحتی داشته باشد.

◀ جانشین ابو حامد

اما او با درایت و پشتکاری که داشت اعتماد فرمانده ابو حامد را جلب کرد و او را به عنوان جانشین خود انتخاب کرد در میدان نبرد از هیچ خطری هراسی به دل نداشت یک بار از ناحیه بازو مورد اصابت گلوله قرار گرفت و مجروح شد اما خم به ابرو نیاورد چرا که حتی برای مداوا و بهبودی به مرخصی نیامد. از هیچ یک از کارهایش برای خانواده تعریف نمی‌کرد تا مبادا مادر